

بررسی سطح رضایت روستاییان دامدار از فعالیتهای آموزشی - ترویجی سازمان جهاد کشاورزی استان قم

سید داود حاجی میررحیمی

استادیار مرکز آموزش عالی امام خمینی وزارت جهاد کشاورزی

(تاریخ دریافت: ۹۳/۴/۲۶ - تاریخ تصویب: ۹۴/۳/۳۰)

چکیده

«پرورش دام» فعالترین و مؤثرترین فعالیت اقتصادی در بخش کشاورزی استان قم، است. از آنجا که برنامه‌های آموزشی - ترویجی ابزار اصلی تحقق هدف‌های توسعه کشاورزی است، با هدف سنجش رضایت روستاییان دامدار از این برنامه‌ها و تعیین راهکارهای بهبود آنها، تحقیق حاضر به روش پیمایشی و با استفاده از ابزار پرسشنامه انجام شد. جامعه آماری تحقیق کلیه دامداران روستایی شرکت کننده در دست کم یک دوره ترویجی مرتبط با امور دامداری بود. یافته‌ها نشان داد که میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی بالاتر از حد متوسط است. بیشترین میزان رضایت از «توان فنی مروجین و کارشناسان ترویج»، «میزان دسترسی به هدف» و «محتوای آموزشی» و کمترین میزان رضایت نیز از «امکانات و شرایط بیرونی»، «میزان مشارکت روستاییان» و «اطلاع‌رسانی برنامه‌های آموزشی - ترویجی» بود. به علاوه، چهار متغیر سواد، وضع اقتصادی خانواده، میزان مشارکت در برنامه‌های آموزشی - ترویجی و محل کسب درآمد زندگی، اختلاف معنی‌داری در میزان رضایت آزمودنی‌ها ایجاد کرده بود. تحلیل رگرسیونی نشان داد که سه متغیر مستقل «شناخت دامدار نمونه»، «سطح زمین زراعی» و «تشویق فرزندان به انتخاب شغل دامداری» تأثیر معنی‌داری بر میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی دارند. مهم‌ترین پیشنهادها تحقیق، افزایش سرمایه‌گذاری و ارایه تسهیلات بانکی و نهادهای به روستاییان دامدار برای بهبود وضع اقتصادی آنها، توسعه سایر فرصت‌های شغلی مرتبط با کشاورزی و ارتقای کمیت و کیفیت مشارکت روستاییان دامدار در برنامه‌ریزی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های ترویجی است.

واژه‌های کلیدی: روستاییان دامدار، توسعه کشاورزی، رضایت، برنامه‌های آموزشی -

ترویجی

مقدمه

تحریک تولیدات سایر بخش‌های اقتصادی ایران دارد. با توجه به پیوندهای پسین قوی بخش صنایع وابسته به کشاورزی، توسعه آن هم می‌تواند به افزایش سرعت رشد

یکی از دو بخش کلیدی اقتصاد کلان ایران، در کنار صنعت، بخش «کشاورزی» است که توانایی بالایی در

وجودی که بازار عرضه و تقاضای شیر و گوشت در ایران رو به رشد است، ولی محدودیت‌هایی در نظام تولید وجود دارد که یکی از مهم‌ترین آنها عدم استفاده بهینه از منابع موجود است. با آنکه نقش خدمات ترویج کشاورزی در توسعه کشاورزی ایران غیر قابل انکار است (Asadi et al., 2008)، اما لازم است که مدیریت مناسب و اثرگذاری بر خدمات ترویج حکمفرما باشد (Barati et al., 2012). برنامه‌ریزی و برگزاری بهینه برنامه‌های آموزشی-ترویجی مطابق نیازهای بازار بخش کشاورزی و نیازهای تولیدکنندگان و دست‌اندرکاران این بخش تضمین‌کننده موفقیت و اثربخشی این برنامه‌ها است. از جانب دیگر، اثربخشی شایسته این برنامه‌ها موجب افزایش رضایت کشاورزان و به دنبال آن مشارکت مؤثر در برنامه‌های مذکور خواهد شد. بدیهی است پیامدهای عدم رضایت روستاییان در بازدهی کم، سوددهی پایین و هدف‌های تحقق نیافته در روند توسعه بخش کشاورزی جلوه‌گر خواهد شد (Martineau et al., 2009).

استان قم با ۱۱۲۳۸ کیلومتر مربع، ۰.۶۸ مساحت کشور را به خود اختصاص داده است. دارای یک شهرستان، پنج بخش، پنج شهر و نه دهستان گازران، کهک، نیزار، فردو، دستجرد، قاهان، قنات، قمرود و راهجرد شرقی است. بر اساس مطالعات Sardar (Shahraki et al., 2013) جزء استان‌های توسعه یافته کشور از نظر کشاورزی در بخش روستایی است. در مجموع تولیدات دامی این استان ۲۹۵ هزار تن است (معادل ۲ درصد کشور). از این میزان ۱۵۶ هزار تن شیر و ۳۸ هزار تن گوشت قرمز است. با توجه به معیارهای موجود در استان به ترتیب به ازای هر ۱۶ رأس گاو شیری اصیل یک نفر، به ازای هر ۲۰ رأس گاو شیری دورگ یک نفر، به ازای هر ۲۵ رأس گاو شیری بومی یک نفر، به ازای هر ۳۰ رأس گوساله پرواری یک نفر و به ازای هر ۱۰۰ رأس شتر یک نفر شاغل لحاظ شده است که در مجموع شاغلین واحدهای بزرگ و کوچک دامداری‌های روستایی استان ۱۲۹۹۷ نفر است (Review of agriculture scheme, Qom province in 2012, 2013). با توجه به این که در کنار مشاغل دامداری، فرصت‌های شغلی وابسته بسیاری بویژه برای زنان روستایی وجود دارد، مجموع فرصت‌های شغلی

بخش کشاورزی بیانجامد (Sadat-Barikani et al., 2013). در این میان زیربخش «دامپروری» در موقعیت برتری نسبت به سایر زیربخش‌ها برخوردار است (Arabmazar et al., 2013). از طرفی، توسعه این بخش با بهبود سطح رفاه، درآمد و امنیت غذایی کشاورزان رابطه معنی‌داری دارد (Santos, 2004). بنابر این، رفع یا کاهش مسایل، تنگناها و مدیریت چالش‌های این بخش برای دست یافتن به شاخص‌های اقتصادی یاد شده ضروری است. در عین حال نتایج برخی مطالعات مؤید آن بود که ضعف توانایی‌های دانشی و مهارتی کشاورزان مهم‌ترین مانع آموزشی بهره‌وری مناسب فعالیت‌های کشاورزی در ایران است (Ahmadvan, 2008 و Mirdamadi & Sadatmoosavi, 2013). در نتیجه، توسعه منابع انسانی این بخش به ویژه در حوزه ارتقای سطوح خلاقیت، نوآوری و کارآفرینی در اولویت برنامه‌ریزی قرار دارد (Hajimirrahimi, 2014). یکی از ابزارهای اصلی توسعه این بخش و توانمندسازی بهره‌برداران، «نظام ترویج کشاورزی» است (Charmchyan, 2012). به طور اصولی ایجاد بینش و تفکر بهبود مداوم تولید در بهره‌برداران اساسی‌ترین و فراگیرترین هدف این نظام است. برای این منظور از ابزارهای متعددی استفاده می‌شود که برنامه‌های ترویجی از مهم‌ترین و متداول‌ترین ابزارهای دستیابی نظام مذکور به این هدف‌ها است.

گرسنگی و سوءتغذیه جوامع بشری را تهدید می‌کند، بطوری که رفع آن را از فعالیت‌های توسعه ملی قلمداد می‌کنند. این موضوع سبب جلب توجه پژوهشگران و اندیشمندان به سوی آینده‌نگری، برنامه‌ریزی و اتخاذ تدابیری برای مبارزه جدی با پدیده فقر و گرسنگی شده است. نقش پروتئین حیوانی در تغذیه انسانی بسیار مهم بوده و کمبود آن اثراتی مثل سوء تغذیه، عدم رشد کافی، کاهش مقاومت بدن در مقابل بیماری‌های عفونی و عوامل بیماری‌زا را به دنبال دارد. بطور متوسط روزانه ۷۵ گرم پروتئین مورد نیاز هر فرد است، که دست کم ۲۸ گرم آن باید از منابع حیوانی مثل شیر، گوشت قرمز، مرغ، ماهی و تخم مرغ تأمین شود. به طور معمول کشورهای جهان سوم و در حال توسعه، قادر به رعایت این استاندارد غذایی نیستند. با

افراد نسبت به شغل خود دارند، اطلاق می شود (Seyedjavadin, 2002). Rabins (1998) به نقل از هرزبرگ معتقد است که رضایت شغلی دارای دو بعد بهداشت^۱ و انگیزش است. عامل بهداشت شامل ویژگی های محیطی شغل و جنبه های بیرونی مثل حقوق، سرپرستی، روابط بین فردی، شرایط و موقعیت های کاری است. عوامل انگیزشی هم وابسته به وظایف و محتوای شغلی نظیر اهمیت دادن به پیشرفت، مسئولیت و رشد است (Rabins, 1998). McShane & Steen (2009) معتقدند که رضایت شغلی، مجموعه ای از گرایشات درباره جنبه های مختلف شغل و مفهوم کار را در بر می گیرد. این موضوع مفهومی پیچیده و چند بعدی داشته و با عوامل روانی، جسمانی و اجتماعی مرتبط است. علاوه بر این ترکیبی از مجموعه عوامل گوناگون سبب می شود که فرد شاغل در لحظه معینی از شغلش احساس رضایت یا عدم رضایت کند (Wayne et al., 2006).

بخش کشاورزی در سطح جهان به سرعت در حال تغییر است و برای ماندگاری و ترقی در بازارهای بین المللی لازم است نیروهای جوان آموزش دیده و دارای دانش و مهارت نوین بطور مستمر جایگزین نیروهای سالمند شده و برای خیز به سمت فرصت های جدید مداوم خود را آماده کنند. مطالعات نشان داده است که نظام های آموزشی-ترویجی آمادگی لازم برای تأمین نیازهای مذکور را ندارند (Iravani & Varzmazyari, 2009) و در نتیجه میزان رضایت از این نظام ها در سطح مطلوبی قرار ندارد. عدم پوشش مهارت های اشتغال و عدم آموزش کسب و کار برای کارآفرینان "کشاورزی نوین" از جمله دلایل این نتیجه است.

نتایج مطالعه Rezaei moghaddam (1994) در استان فارس نشان داد که بیش از ۸۷ درصد دامداران از برنامه های آموزشی رضایت داشته و فقط ۳/۴ درصد از این دوره ها اظهار نارضایتی کرده بودند. همچنین، بین انگیزهای ایمنی، تعلق پذیری، عزت نفس و خود شکوفایی دامداران با میزان شرکت آنها در برنامه های آموزشی- ترویجی رابطه معنی داری وجود نداشت. بنابراین، نیازهای فیزیولوژیک مبنای شرکت دامداران در

وابسته به حوزه دامداری استان قم بسیار بیشتر از آمار مذکور است (Study of population status and livestock's production in the Qom province, 1999). بر اساس آخرین آمار رسمی در سال ۱۳۸۹ تعداد ۵۳۲ نفر روز کلاس، کارگاه، گردهمایی و سمینار آموزشی - ترویجی، و ۵۲ نفر روز بازدید آموزشی- ترویجی داخل و خارج استان در زیربخش دامداری و شیلات اجرا شده است (Practical and service Performance of Qom's Agricultural Jihad Organization, subsidiaries Offices and affiliates in 2009, 2010). بررسی اسناد موجود در سازمان جهادکشاورزی استان و منابع موجود نشان داده است که در حوزه ارزیابی کمی و کیفیت این برنامه ها در سطح استان مذکور پژوهش علمی انجام نشده است و برنامه ریزان برای توسعه بهینه این زیربخش با مشکلات عدیده ای رو به رو هستند. همچنین، براساس دیدگاه های کارشناسی عملکرد این برنامه ها در برخی موارد در حد انتظار نیست. از جانب دیگر، فاصله عملکرد تولیدی واحدهای دامداری استان با استانداردهای ملی و بین المللی و کمبود سطح دانش و مهارت های دامداری آن ها، نشانگر مسائل گریبانگیر کمی و کیفیت برنامه های آموزشی - ترویجی ویژه روستاییان دامدار است (Hajimirrahimi, 2002). این در حالی است که مطالعات Anaraki & Karami dehkordi (2012) در استان قم نشان داد که برنامه های ترویجی - آموزشی می تواند به تولیدکنندگان حوزه دام و طیور کمک کند تا بهره وری انرژی و تولید را بالا برده و با تشکیل گروه های خودجوش و اجتماع محور، قدرت چانه زنی آن ها را برای تهیه نهاده و فروش محصولات افزایش دهد. بر این اساس، مسأله تحقیق بررسی سطح رضایت روستاییان دامدار و نحوه تأثیر ویژگی های فردی و حرفه ای آن ها بر میزان رضایت ایشان از برنامه های آموزشی- ترویجی سازمان جهادکشاورزی استان است.

"رضایت شغلی" یکی از مهم ترین زمینه های نگرش افراد است که به دلیل اثرگذاری زیاد آن، از اهمیت بالایی برخوردار است. این واژه عبارتست از احساسات مثبت یا لذت بخشی که هر فرد از راه ارزیابی شغل خود یا تجربیات شغل خود بدان دست می یابد (Moghimi, 2005) و به مجموع تمایلات یا احساسات مثبتی که

برنامه‌های آموزشی-ترویجی بوده است. بر این اساس توصیه شده است که محتوای این برنامه‌ها با توجه به مسایل دامداران طراحی شده و دامداران دخالت مستقیم در فرایند برنامه‌ریزی داشته باشند. علاوه بر این، دامداران نیمه صنعتی رضایت بیشتری از دوره‌ها داشته‌اند. یافته‌های پژوهش Shahabi et al. (2013) در استان اصفهان نشان داد که از میزان تأثیر آموزش‌های ترویجی بر افزایش اطلاعات عمومی و تخصصی، افزایش خلاقیت و نوآوری، بهبود مدیریت و ایجاد اعتماد به نفس، رضایت دارند. نتایج مطالعات Hasani Faramany (2013) در شهرستان کرمانشاه مؤید آن بود که ۲۶ درصد از واریانس دیدگاه گندمکاران از عملکرد شرکت‌های خدمات مشاوره‌ای فنی و مهندسی منطقه را میزان رضایت ایشان از دوره‌های آموزشی - ترویجی این شرکت‌ها تبیین کرده است. نتایج مطالعه Moradi & Poorsaeid (2014) در شهرستان کرمانشاه نشان داد که میزان رضایت غالب کشاورزان از فعالیتهای مراکز ترویجی بیش از حد متوسط است. متغیرهایی مثل: سن، درآمد، سطح زیرکشت آبی، سابقه فعالیت، میزان بهره‌مندی از فعالیتهای ترویجی، میزان مشارکت در سازمان‌ها و نهادهای روستایی، و نوع نگرش کشاورزان رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان رضایت آنها از خدمات ترویجی دارد. از طرفی، نتایج مطالعه Rahmani Piani & Ajili (2014) نشان داد که میزان رضایت روستاییان اهوازی از عملکرد ترویج واحدهای همیاری در حوزه کیفیت بازاریابی محصولات کشاورزی و کیفیت خدمات تجاری در روستا بسیار کم است. بین سطح سواد نیز با میزان آنها از عملکرد واحدهای یاد شده رابطه معنی‌داری وجود دارد. یافته‌های تحقیقی در استان خراسان جنوبی مؤید آن بود که از دیدگاه باغداران میزان اثربخشی فعالیتهای ترویجی کلینیک‌های گیاهپزشکی و میزان رضایت آنها از این فعالیتهای در حد متوسط و ضعیف است. البته سطح سواد، محل سکونت بهره‌برداران، و تأهل تأثیر معنی‌داری بر دیدگاه‌های داشته است (Farahman et al., 2014). مطالعه دیگری روی کشاورزان اصفهانی نشان داد که میزان رضایت آنها از برنامه‌های ترویجی و قابلیت‌های مروجین کشاورزی در حد مناسبی است. البته کمترین میزان رضایت را از

مهارت‌های آموزشی مروجین و برگزاری دوره‌های آموزشی پیوسته و مرتبط^۱ ابراز کرده‌اند (Karbasioun et al., 2007). در عین حال توصیه‌هایی برای افزایش قابلیت‌های مروجین کشاورزی و توسعه حرفه‌ای ایشان ارایه شده است. بر اساس این مطالعه سن تأثیر معنی‌داری روی دیدگاه‌ها داشته است ولی سطح سواد، انگیزه‌های یادگیری و جنسیت تأثیر معنی‌داری نداشته است. نتایج مطالعات Heidari Sareban (2013) در شهرستان مشگین شهر استان اردبیل نشان داده است که دسترسی به خدمات ترویجی مناسب یکی از مهم‌ترین عوامل پیش‌بینی کننده تغییرات میزان رضایت کشاورزان از اشتغال در بخش کشاورزی است. همچنین، میزان دانش و مهارت کشاورزان در استفاده از روش‌های نوین کاشت نقش مؤثری در افزایش سطح رضایت کشاورزان از کار در بخش کشاورزی دارد. بنابراین، میزان رضایت آنها از برنامه‌های ترویجی از آنجا که تأثیر مهمی در افزایش دانش و مهارت‌های کشاورزی کشاورزان دارد، نقش مهمی در افزایش رضایت شغلی آنها دارد. یافته‌های پژوهشی Gorji (2012) در شهرستان اهواز نشان داد که برخی کلاس‌های ترویجی از دیدگاه کشاورزان فاقد تأثیر مناسب در توانمندسازی آنها برای افزایش بهره‌وری تولید شناخته شده است و در نتیجه نارضایتی خود را از این دوره‌ها به نحوی نشان داده‌اند. نتایج مطالعات Mahboobi et al. (2012) در شهر سرخندکلای استان گلستان نشان داد که زنان تعاون‌گر روستایی از دوره‌های آموزشی-ترویجی رضایت مناسبی ندارند و علل عدم شرکت خود را در این دوره‌ها را طولانی بودن، عدم اطلاع به موقع و نداشتن فرصت کافی برای شرکت در دوره، اعلام کرده‌اند. نتایج پژوهش Pezeshki Rad et al. (2009) در استان یزد نشان داد که دوره‌های آموزشی از دیدگاه انارکاران استان در دستیابی به اهداف از پیش تعیین شده خیلی موفق نبوده‌اند. همچنین، رابطه معنی‌داری بین سطح رضایت از دوره‌ها با درآمد سالیانه، عملکرد در واحد سطح، میزان تولید، دفعات شرکت در دوره و نگرش انارکاران نسبت به دوره‌های آموزشی وجود دارد. یافته‌های

کسب شده در طول ملاقاتهای ترویجی نداشتند. همچنین، ۱۰۰ درصد افراد رضایتی از نشریات ترویجی^۵ و ابزارهای الکترونیکی استفاده شده برای امور ترویجی نداشتند. در مجموع ۶۷ درصد آزمودنی‌ها هیچگونه رضایتی از برنامه‌های ترویجی نداشتند. به طور اصولی رضایت از شغل و هر برنامه‌ای تابعی از عوامل درون و برون شخصیتی (محیطی) است. (Goblar et al. (2009 معتقدند رضایت کشاورزان از کار در محیط‌های کشاورزی و برنامه‌های توسعه‌ای آن تابعی از وجود یک محیط سالم روستایی است. (Wood et al. (2004 میزان رضایت روستاییان را تابعی از مؤلفه‌های مشارکت، تأمین اجتماعی، اعطای تسهیلات ویژه به کشاورزان، و مناسب بودن درآمد آن‌ها تعریف کردند. به عبارتی میزان رضایت روستاییان از هر نوع برنامه توسعه کشاورزی، نه تنها به کمیت و کیفیت برنامه‌ها بلکه به عوامل جانبی دیگری هم بستگی دارد. علاوه بر این، میزان رضایت کشاورزان از عملکرد واحدهای ترویجی منوط به میزان رضایت آن‌ها از محتوا و سطح سازگاری برنامه‌های آموزشی- ترویجی با نیازهایشان است. نتایج مطالعه‌ای در صربستان نشان داد که فعالیت‌های ترویجی با مشکلاتی مثل: بحران عمومی بخش کشاورزی، عدم حمایت پایدار از واحدهای تولیدی و تولیدکنندگان بخش کشاورزی و مشکلات سازمان ترویج کشاورزی رو به رو است و این مشکلات سطح بهره‌وری فعالیت‌های ترویجی را کاهش داده است (Petrovic, Jankovic, & Cikić, 2009). از مطالعات بررسی شده، نتیجه‌گیری می‌شود که موفقیت برنامه‌های ترویجی و رضایت بهره‌برداران از این برنامه‌ها در گرو کارکرد بهینه اجزای نظام ترویج از جمله کیفیت مطلوب آموزشگران از ابعاد فنی - حرفه‌ای، کاربرد به موقع و صحیح وسائل کمک آموزشی، محیط مناسب و محتوای آموزشی مرتبط با نیازهای واقعی مخاطبین، برنامه‌ریزی اجرایی سازگار با امکانات موجود و موقعیت و شرایط زندگی بهره‌برداران و غیره است. بر این اساس، الگوی عوامل تأثیرگذار بر سطح رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی- ترویجی با توجه به نتایج مطالعات (Rezaei moghaddam (1994)، Minh Duc

Tavasol (2003) در استان کرمانشاه حاکی از آن بود که تعداد دفعات تعامل رو در رو و مستقیم کشاورزان با مروجین، رابطه مثبت و معنی‌داری با میزان رضایت و انگیزه شرکت آن‌ها در برنامه‌های آموزشی- ترویجی دارد. به یقین ارتباط بیشتر و مؤثرتر مروجین خبره و توانمند با تولیدکنندگان بخش کشاورزی ضمن ایجاد علاقه بیشتر در آن‌ها برای مشارکت هر چه بیشتر در برنامه‌های ترویجی، میزان رضایت آن‌ها را نیز از این برنامه‌ها ارتقا می‌بخشد. نتایج مطالعه Minh Duc (2008) نشان داد که "میزان درآمد" تأثیر معنی‌داری بر سطح رضایت کشاورزانی که دارای کشت همراه با پرورش آبزیان هستند^۱، دارد. از طرفی، با افزایش "سن" و "میزان مشارکت آن‌ها در فعالیت‌های ترویجی" و "سطح اراضی کشاورزی" آن‌ها بر میزان رضایت شان افزوده شده است. نتایج مطالعات Mogues et al. (2009) در اتیوپی نشان داد که کشاورزان از خدمات ترویج کشاورزی ارائه شده رضایت بالایی دارند. در این میان مردان نسبت به زنان از خدمات ارائه شده بیشتر بهره‌مند شده‌اند. ۸ درصد اعلام داشته‌اند شرایط آن‌ها هیچ گونه سازگاری با فناوری‌ها و خدمات ترویجی ارائه شده طی دو سال گذشته در منطقه آن‌ها نداشته است. نتایج Raveendaran et al. (2007) در تامیل نادو^۲ در خصوص رضایت کشاورزان نواحی تحت پوشش سیستم های آبی^۳ نشان داد که به دلایلی مثل: کوچکی مزارع آن‌ها، دسترسی محدود به آب و درگیری زیاد آن‌ها با کارهای کشاورزی و همچنین مشارکت ضعیف در امور اجتماعی منطقه، میزان مشارکت ۷۴/۶۷ درصد آن‌ها در فعالیت‌های مؤسسات پانچارات راژ^۴ کم است. از طرفی، آن‌ها از اطلاعات ارائه شده در طول اجرای برنامه‌های ترویجی رضایت مناسبی نداشتند. در همین راستا ۵۸/۳ درصد فاقد انگیزه تماس رودرو با مروجین بودند، ۶۰ درصد گرایشی به منابع اطلاعاتی نداشتند، ۸۳ درصد فاقد رضایت از مهارت‌های کسب شده از فعالیت‌های نمایشی ترویج بوده و ۹۰ درصد نیز رضایتی از دانش

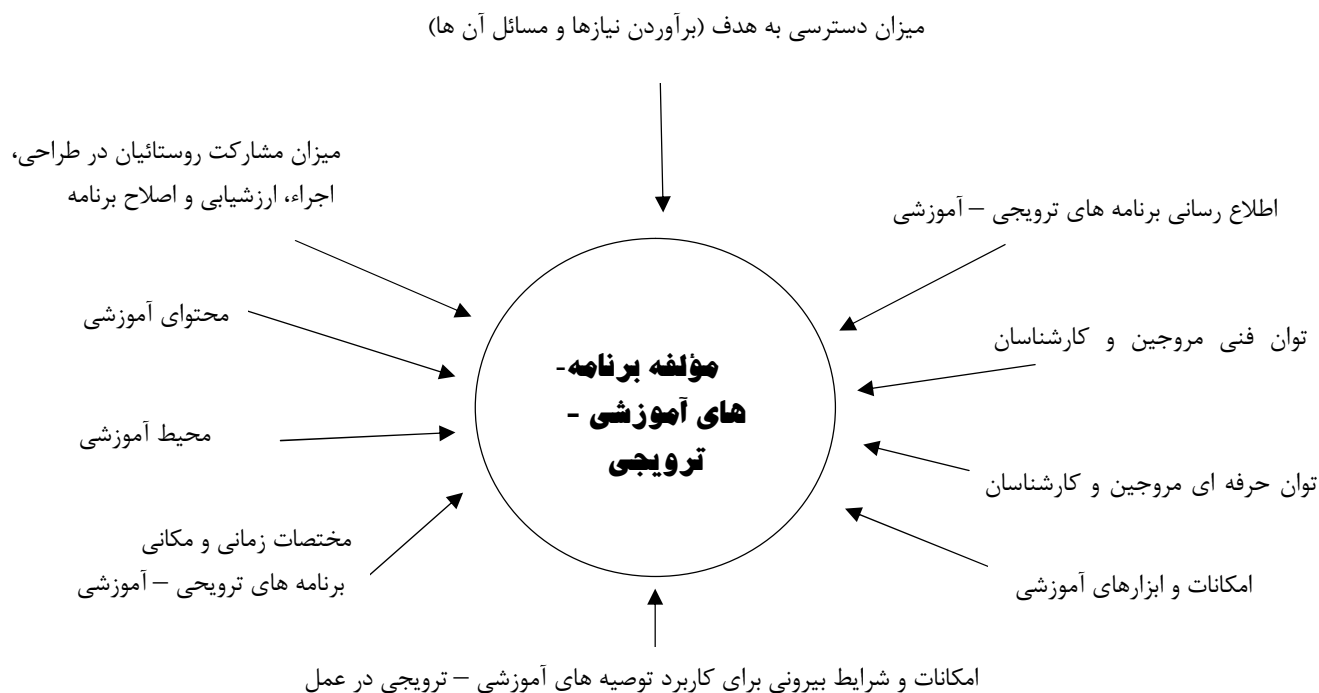
1. Aquaculture

2. Tamil Nadu

3. Irrigated Environment

4. Panchayat Raj Institutions

(2008) و (2009) Mogues et al. طراحی و در نمودار
 شماره یک نشان داده شده است.
 پژوهش از نوع توصیفی - کاربردی بوده و با روش
 پیمایشی انجام شده است. متغیرهای مستقل شامل ۱۴
 متغیر: سطح
 روش‌شناسی



نمودار ۱- الگوی عوامل تعیین‌کننده میزان رضایت روستائیان دامدار از برنامه‌های آموزشی-ترویجی

وجود آن در فرآیند برنامه‌ریزی‌های آموزشی-ترویجی
 خلاء عمده‌ای در ساختار کیفی برنامه‌های آموزشی-
 ترویجی وجود آورده است، بهره‌برداران و مخاطبین
 واقعی این برنامه‌ها می‌باشند. این برنامه‌ها زمانی می-
 توانند مثمر واقع شوند که برای بهره‌بردار، با وی و
 همراه با ایشان تهیه، اجرا، ارزشیابی و اصلاح شوند.
 بنابراین، در این تحقیق جامعه آماری روستائیان دامدار
 شرکت‌کننده در دوره‌های آموزشی-ترویجی در یک
 دوره پنج ساله تعیین شد. در اولین گام فهرست برنامه-
 های برگزار شده برای روستائیان دامدار در خصوص
 مسایل دامداری به تفکیک سال برگزاری با همکاری
 مدیریت ترویج سازمان جهادکشاورزی استان قم تهیه
 شد. بر این اساس، جامعه تحقیق ۶۴۵ نفر تعیین
 شد (Performance Report of Management of the
 extension and public participation, 2009). از طریق
 رابطه (۱) حجم نمونه محاسبه شد (Sarmad et al.,

سواد، سابقه دامداری، وضع اقتصادی، شرکت در
 برنامه‌های ترویجی - آموزشی، داشتن شغل دوم، نوع
 شغل دوم، سن، محل کسب درآمد زندگی، دام‌های
 در اختیار، سطح زمین زراعی، سطح زمین باغی،
 شناخت دامدار نمونه، ملاقات با افراد متخصص و دامدار
 نمونه و تشویق فرزندان به انتخاب شغل دامداری است.
 از طرفی، متغیر وابسته تحقیق «میزان رضایت
 روستائیان دامدار از برنامه‌های آموزشی-ترویجی» است.
 نتایج بسیاری از مطالعات نشان داد که بخش عمده‌ای از
 ضعف نظام‌های ترویج کشاورزی کشورهای در حال
 توسعه، حول محور نظام برنامه‌ریزی آموزشی-ترویجی
 قرار دارد (Hajimirrahimi, 2002 ; Feli et al., 2012 &
 Kasaeian Naini, 2012). بیشتر این ضعف مربوط به
 عدم شناخت دقیق نیازهای آموزشی بهره‌برداران و عدم
 درک روابط بین ساختاری و درون ساختاری محیط‌های
 کشاورزی و روستایی است. مهم‌ترین عاملی که عدم

عملی بودن ترکیب سئوالات و تبدیل به یک مقیاس واحد به بررسی این که "آیا اقلام مورد اشاره در ارتباط با یکدیگر و پیوسته هستند یا خیر؟"، پرداخته شد. برای این منظور پرسشنامه مقدماتی بر روی یک گروه ۲۵ نفری از روستاییان دامدار خارج از نمونه تحقیق آزمون شد. نتایج نشان داد که سئوالات مربوط به تعیین سطح رضایت، همبستگی بالایی بین ۶۰ تا ۸۰ درصد با یکدیگر دارند. با استفاده از نظرات ۵ نفر صاحب نظر آموزش و ترویج کشاورزی به آزمون اعتبار ظاهری پرسشنامه پراخته شد. سپس با استفاده از آزمون کرونباخ آلفا، پایایی پرسشنامه مورد سنجش قرار گرفت ($\alpha = 0.80$)، که حاکی از مطلوبیت پرسشنامه بود.

یافته‌ها

میانگین سن اعضای نمونه تحقیق ۴۱/۴۵ سال بود و غالب آن‌ها در گروه سنی ۵۱ سال به بالا قرار داشتند (۲۷/۱ درصد). ۲۷/۵ درصد پاسخگویان بی‌سواد بوده و سطح سواد اکثر آزمودنی‌ها در حد «ابتدایی» بود (۳۷/۲ درصد). این موضوع نشان دهنده اهمیت سرمایه گذاری بیشتر در راستای افزایش سواد عموم روستاییان است. میانگین سابقه دامداری روستاییان عضو نمونه تحقیق ۲۱/۷ سال بوده و ۷۵/۲ درصد آن‌ها از موقعیت اقتصادی مناسبی برخوردار بودند. میانگین و میانه دفعات شرکت افراد در کلاس‌ها و برنامه‌های آموزشی-ترویجی ۴/۳۵ و ۴ بود و ۷۱/۸ درصد آن‌ها ۳ و بیش از ۳ بار در کلاس‌های آموزشی-ترویجی در طول پنج سال گذشته شرکت کرده بودند. فقط ۱۸/۸ درصد از آزمودنی‌ها فاقد شغل دوم هستند و از میان افراد دارای مشاغل دیگری به جز دامداری، ۷۰/۸ درصد صاحب مشاغل مرتبط با بخش کشاورزی می‌باشند. ۵۲/۱ درصد روستاییان دامدار بیشتر درآمد زندگی خود را از امور دامداری و ۳۱/۱ درصد نیز بیشتر درآمد زندگی خود را بطور مشترک از امور دامداری و کشاورزی بدست می‌آورند. تقریباً ۱۹ درصد افراد مورد مطالعه بین ۱ الی ۲ دام دارند و فقط ۲۶/۵ درصد آن‌ها دارای بیش از ۱۰ رأس دام می‌باشند. غالب آزمودنی‌ها (۳۰/۶ درصد) فاقد زمین زراعی می‌باشند و در نتیجه برای علوفه دام‌های خود به بازار وابسته اند. ۳۴/۵ درصد افراد مورد مطالعه به امور باغداری اشتغال دارند و تقریباً ۷۱ درصد افراد فاقد

(1999). با توجه به این که نسبت حجم نمونه (n) به حجم جامعه (N) بیشتر از ۰/۰۵ است، از طریق رابطه (۲) حجم نمونه تعدیل شد (Sarmad et al., 1999). با توجه به پراکندگی توزیع جغرافیایی محل زندگی و کار این جامعه و عدم دسترسی به همه آنها (به دلیل

$$n = \frac{s^2 pq}{d^2}$$

رابطه (۱)

رابطه (۲)

$$n' = \frac{n_0}{1 + \frac{n_0}{N}}$$

محدودیت های اعتباری)، از روش نمونه‌گیری خوشه‌ای تصادفی^۱ برای انتخاب نمونه آماری استفاده شد. در این روش بر اساس مکان برگزاری، برنامه‌های ترویجی به پنج خوشه شمال، جنوب، شرق، غرب و مرکز استان قم تقسیم شدند. ابتدا بطور تصادفی سه خوشه شمال، جنوب و مرکز استان انتخاب شد. از میان هر خوشه به تناسب حجم، نمونه‌گیری بصورت تصادفی نظام مند^۲ انجام شد. برای این منظور ابتدا اسامی افراد بر اساس حروف الفبا مرتب شدند. سپس برای محاسبه فاصله انتخاب نمونه، حجم جامعه آماری بر حجم نمونه آماری تقسیم شد (تقریباً پنج) و بصورت منظم با فاصله ۵ نفری آزمودنی‌ها انتخاب شدند. پس از جمع‌آوری پرسشنامه‌های تکمیل شده، یکی از آنها به دلیل نواقص موجود حذف شد. سئوالات پرسشنامه از مطالعات Mogues (1994) و Minh Duc (2008) و et al. (2009) استخراج شد. ابعاد رضایت از برنامه‌های آموزشی-ترویجی شامل: میزان مشارکت دامداران در برنامه‌ریزی و اجرا (۴ گویه)، امکانات و تجهیزات استفاده شده (۲ گویه)، کیفیت تدریس و توانایی‌های آموزشی و فنی مروجین (۸ گویه)، کیفیت اطلاع‌رسانی (۱ گویه)، مطلوبیت زمان و مکان اجرا (۲ گویه)، محتوای دوره‌ها (۴ گویه)، نظارت و ارزشیابی برنامه (۳ گویه). برای تعیین

1. Cluster Random Sampling
2. Systematic Random

$$n = \frac{(1.96)^2}{0}$$

گسترده و تجاری دنبال کنند. این موضوع حکایت از نگرش مثبت آنها به شغل دامداری دارد.

بر اساس یافته‌های مندرج در جدول یک میانگین نمره رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی سازمان جهادکشاورزی استان قم بر اساس ۱۰ معیار مندرج در نمودار ۱، "بالاتر از حد متوسط" بود. در این میان، رضایت از "محتوای آموزشی"، "میزان دسترسی به هدف" و "توان فنی مروجین و کارشناسان ترویج" در بالاترین میزان و رضایت از "امکانات و شرایط بیرونی" و "اطلاع رسانی برنامه‌های آموزشی-ترویجی" در کمترین میزان قرار داشت.

زمین باغی هستند. ۴۱ درصد آزمودنی‌ها در طول پنج سال گذشته بین ۱ الی ۵ بار با دامداران نمونه، دامپزشک، مروجین و کارشناسان ترویج امور دام در زمینه مسایل دامداری ملاقات داشته‌اند و بطور متوسط کلیه روستاییان مورد بررسی ۲۳ بار در پنج سال گذشته با این افراد در خصوص مسائل دامداری ملاقات داشته‌اند. ۶۳/۷ درصد پاسخگویان، دامداران نمونه، پیشرفته و موفق منطقه را می‌شناسند. این موضوع نشانگر ارتباط مناسب ایشان با صاحبان علم و تجربه است. ۸۶/۶ درصد روستاییان دامدار مورد مطالعه با توجه به تجربیات کاری خود و از طرفی شناخت مشاغل مختلف اجتماعی توصیه می‌کنند که فرزندانشان شغل دامداری را در سطح

جدول (۱) توزیع آماری مؤلفه‌های رضایت روستاییان دامدار از فعالیت‌های آموزشی - ترویجی

رتبه	ضریب تغییرات	انحراف معیار	میانگین	مؤلفه‌ها
۱	۰/۱۴	۰/۵۶	۳/۹	محتوای آموزشی
۲	۰/۱۷	۰/۶۹	۴/۰۵	میزان دسترسی به هدف
۳	۰/۱۹	۰/۷۸	۴/۱	توان فنی مروجین و کارشناسان ترویج
۴	۰/۱۹	۰/۷۳	۳/۸۶	توان حرفه‌ای مروجین و کارشناسان ترویج
۵	۰/۲	۰/۶۸	۳/۳	مختصات زمانی و مکانی برنامه‌ها
۶	۰/۲۴	۰/۸۵	۳/۵۷	محیط آموزشی
۷	۰/۲۷۸	۰/۸۳	۲/۹۹	میزان مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزی و اجرا
۸	۰/۳	۱/۰۴	۳/۴۳	امکانات و ابزارهای آموزشی
۹	۰/۳۵	۱/۱۳	۳/۲۴	اطلاع رسانی برنامه‌های آموزشی-ترویجی
۱۰	۰/۳۱۲	۰/۹۲	۲/۹۵	امکانات و شرایط بیرونی

میانگین = ۳/۵

معنی‌داری در رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی-ترویجی ایجاد کرده است. به عبارت دیگر، بین دیدگاه افرادی که دارای موقعیت اقتصادی و میزان مشارکت متفاوت در برنامه‌های ترویجی و محل‌های گوناگون کسب درآمد زندگی می‌باشند، در زمینه رضایت از برنامه‌های ترویجی، تفاوت معنی‌داری وجود دارد (جدول ۲).

بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس کروسکال والیس^۱ متغیرهای «سطح سواد»، «وضع اقتصادی خانواده»، «مشارکت در برنامه‌های ترویجی» و «محل کسب غالب درآمد زندگی» در سطح یک درصد اختلاف

۱. Kruskal Wallis

جدول (۲) رابطه متغیرهای مستقل و "میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه های آموزشی - ترویجی"

Asymp.sig.	Df	Chi-square	متغیرهای مستقل
۰/۰۰۵	۵	۱۶/۶۸۸	سطح سواد
۰/۳۳۶	۴	۴/۵۶	سابقه دامداری
۰/۰۱	۴	۱۱/۴	وضع اقتصادی خانواده
۰/۰۰۹	۴	۱۳/۴۸	مشارکت در برنامه های ترویجی - آموزشی
۰/۸۳۷	۱	۰/۰۴۲	داشتن شغل دوم
۰/۴۸۱	۲	۱/۴۶	نوع شغل دوم
۰/۶۶۳	۴	۲/۴	سن
۰/۰۱	۴	۱۱/۷۶	محل کسب غالب درآمد زندگی
۰/۶۹۶	۴	۲/۲۱۷	دامهای در اختیار
۰/۲۵۷	۴	۵/۳	سطح زمین زراعی
۰/۴۷۴	۲	۱/۴۹	سطح زمین باغی
۰/۷۹۹	۱	۰/۸۶۸	شناخت دامدار نمونه
۲/۲۸	۴	۰/۶۸۵	ملاقات با افراد متخصص و دامدار نمونه
۰/۴۸۶	۱	۰/۴۸۶	تشویق فرزندان به انتخاب شغل دامداری

معنی داری در سطح ۰/۰۵ معنی داری در سطح ۰/۰۱

خانواده افراد مورد بررسی با تنوع محل کسب غالب درآمد زندگی ($r=0/118$ & $Sig=0/05$) و میزان زمین زراعی آنها ($r=0/24$ & $Sig=0/03$)، وجود دارد (پیوست ۱). بنابراین، هر چه موقعیت اقتصادی این افراد بهتر شده است، امکان دارد به دلایلی مثل: دسترسی بیشتر به بازار نهاده های دامپروری، توان خرید امکانات و ابزارآلات دامپروری و ریسک پذیری بیشتر، امکانات بیشتر برای کاربرد عملی توصیه های ترویجی، مشارکت در برنامه های مختلف ترویج کشاورزی (امور دامی و زراعی)، دسترسی به منابع درآمد خارج از بخش کشاورزی رضایت بیشتری از برنامه های ترویجی کسب کرده اند.

از طرف دیگر، هر چه میانگین رتبه ای میزان مشارکت خانواده روستاییان دامدار در برنامه های ترویجی بیشتر شده است، میزان رضایت آنها از برنامه های مذکور افزایش پیدا کرده است (جدول ۳).

با توجه به میانگین های رتبه ای بدست آمده از آزمون کروسکال والیس، بر پایه اطلاعات جدول شماره ۳، به استثنای افراد دارای مدارک سطوح راهنمایی و بیسواد، بطور نسبی هر چه سواد افراد بیشتر بوده است، میزان رضایت آنها از برنامه های آموزشی - ترویجی افزایش یافته است. طبق اطلاعات جدول پیوست یک، سواد پاسخگویان با سابقه دامداری، سن و بیشتر بودن شناخت و ملاقات آنها با دامداران نمونه و متخصصین و کسب تجربه مفید از آنها، همبستگی منفی و معنی داری دارد (پیوست ۱). بنابر این، به دلیل شناخت بیشتر نقش برنامه های ترویجی در موفقیت و اثربخشی فعالیت های دامداری، با وجود درک نواقص این برنامه ها، نظر مناسب تری نسبت به این برنامه ها دارند. از طرف دیگر، هر چه میانگین رتبه ای وضع اقتصادی خانواده روستاییان دامدار بیشتر شده است، میزان رضایت آنها از برنامه های مذکور افزایش پیدا کرده است. از طرفی، همبستگی معنی دار و مثبتی بین وضع اقتصادی

جدول (۳) میانگین‌های رتبه‌ای میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی بر اساس نتایج آزمون تحلیل واریانس کروسکال والیس

متغیر مستقل	سطح سواد	تعداد	میانگین رتبه ای
سطوح سواد	بالاتر از دیپلم	۶	۷۵/۰۸
	دیپلم	۱۰	۵۸/۶۵
	سطح دبیرستان	۱۲	۵۲/۶۳
	سطح راهنمایی	۱۴	۹۰/۰۴
	سطح ابتدایی	۴۵	۴۹/۴
وضع اقتصادی خانواده	بیسواد	۳۲	۶۳/۸۸
	بسیار نامناسب	۱۱	۳۳/۳۲
	نامناسب	۱۹	۵۱/۷۱
	مناسب	۸۰	۶۷/۷۴
	بسیار مناسب	۱۱	۵۵/۶۸
میزان مشارکت در برنامه های ترویجی	بسیار کم	۳۴	۶۲/۴
	کم	۲۷	۴۰/۳۷
	متوسط	۳۹	۶۷/۵۱
	زیاد	۲۰	۷۲/۳۸
	خیلی زیاد	۱	۸۹
محل کسب درآمد غالب زندگی	کشاورزی(زراعت و باغبانی)	۹	۴۱/۸۳
	دامداری	۶۲	۵۴/۲
	دامداری و کشاورزی	۳۷	۷۳/۸
	کارمندی	۳	۸۲/۵
	سایر موارد	۸	۵۳/۱۳

کرده‌اند. افرادی که بیشتر در برنامه های ترویجی شرکت می کنند، بطور کلی بر اساس اطلاعات جدول یک، با وجود رضایت کمتر از برخی از بخش‌های برنامه‌ریزی ترویجی(مثل: «امکانات و شرایط بیرونی» و «میزان مشارکت روستاییان»)، رضایت بیشتری از کل این برنامه ها دارند(میانگین = ۳/۵). می توان نتیجه گیری کرد که سرمایه گذاری در مشاغل روستایی و کشاورزی و تدارک عملی طرح های مناسب برای مشارکت بیشتر روستاییان دامدار در برنامه‌های ترویجی باعث افزایش رضایت آن‌ها از این برنامه‌ها خواهد شد. از طرف دیگر، هر چه میانگین رتبه‌ای محل کسب درآمد زندگی روستاییان دامدار متنوع تر شده است، میزان رضایت آن‌ها از برنامه‌های آموزشی - ترویجی افزایش پیدا کرده است (جدول ۳). در عین حال با افزایش منابع درآمدی روستاییان دامدار در بخش کشاورزی و در مواردی اشتغال به امور کارمندی، میزان رضایت آن‌ها از

از جانب دیگر، با افزایش دفعات شرکت روستاییان دامدار در برنامه‌های ترویجی، میزان رضایت آن‌ها از برنامه‌های مذکور نیز بیشتر شده است. داده‌های جدول پیوست یک همبستگی معنی دار شرکت روستاییان دامدار در این برنامه‌ها را با میزان زمین زراعی (ضریب همبستگی ۰/۲۶ در سطح معنی داری ۰/۰۲)، شناخت دامدار نمونه (ضریب همبستگی ۰/۲۲ در سطح معنی داری ۰/۰۲) و میزان ملاقات آنها با افراد متخصص و دامدار نمونه (ضریب همبستگی ۰/۳۶ در سطح معنی داری ۰/۰۰) نشان می‌دهد. ممکن است به دلایلی مثل: تعدد منابع درآمدی، شرکت در برنامه‌های مختلف ترویجی بخش کشاورزی (به دلیل اشتغال به زراعت)، آشنایی و کسب اطلاعات بیشتر از دامداران نمونه منطقه، استفاده از دانش علمی متخصصین امور دام و آشنایی با مراجع صاحب نفوذ در تصمیم گیری امور دام منطقه، رضایت بیشتری از برنامه‌های ترویجی کسب

بنابراین ۷۴ درصد واریانس Y توسط ترکیب خطی سه متغیر مذکور تبیین می شود و مابقی از عوامل دیگر نشأت می گیرد. ضریب همبستگی رگرسیونی چند متغیری این معادله، ۰/۸۶ است که نشانگر یک همبستگی قوی می باشد. از آنجا که ۲۶ درصد واریانس Y توسط سایر متغیرها تبیین می شود، براساس داده‌های جدول شماره ۵ بیشترین اثر را متغیر "محل کسب غالب درآمد زندگی" داشته است و در مراحل بعد متغیرهای "مشارکت در برنامه‌های ترویجی" و "وضع اقتصادی خانواده" قرار داشتند. بنابراین، ضروری است از راه طراحی و اجرای برنامه های متنوع ترویجی، میزان شناخت روستاییان

جدول (۴) ضرایب متغیرهای معنی دار معادله همبستگی رگرسیون

متغیرها	B	ضریب t	سطح معنی داری
شاخص ها			
شناخت دامدار نمونه (x30)	۰/۵۹۶	۳/۱۱۱**	۰/۰۰۸
سطح زمین زراعی (x24)	۰/۱۵۳	۳/۰۳۲**	۰/۰۰۹
تشویق فرزندان به انتخاب دامداری (x36)	۰/۳۷	۲/۲۶۳*	۰/۰۴
ضریب ثابت ^۲	۱/۲۵	۳/۱۸۹**	۰/۰۰۷

دامدار از دامداران نمونه و موفق ارتقا یابد و با تغییر شرایط اقتصادی بخش دامپروری، جامعه دامداران را به سوی تغییر گرایش نسبت به توصیه به فرزندان برای انتخاب شغل آتی خود در امور دامداری، رهنمون ساخت. همچنین در برنامه واگذاری زمین‌های زراعی اولویت به افراد بومی دارای شغل دامداری داده شود تا با متنوع کردن فعالیت‌های اقتصادی آن‌ها، زمینه بهبود شرایط اقتصادی دامداران و مشارکت بیشتر آن‌ها در برنامه های ترویجی منطقه، فراهم شود.

برنامه‌های ترویجی افزایش یافته است. از آنجا که همبستگی مثبتی بین تنوع محل‌های کسب درآمد غالب زندگی افراد مورد مطالعه با بهبود وضع اقتصادی آن‌ها (ضریب همبستگی ۰/۱۸ در سطح معنی داری ۰/۰۵)، داشتن شغل دوم (ضریب همبستگی ۰/۲۸ در سطح معنی داری ۰/۰۰۷) و شناخت دامدار نمونه (ضریب همبستگی ۰/۱۲ در سطح معنی داری ۰/۱۹) وجود دارد، می‌توان چنین نتیجه گیری کرد که ممکن است این افراد بدلایلی مثل: دسترسی بیشتر به نهاده‌های دامی، کسب دانش و مهارت بیشتر از طریق شناخت و ارتباط با دامداران نمونه، دغدغه کمتر نسبت به کیفیت برنامه‌های ترویجی، برقراری ارتباط بهتر با مروجین و کارشناسان ترویج و در مجموع رضایت بیشتر از کار آن‌ها و دلبستگی و علاقه بیشتر به روستا و کشاورزی رضایت بیشتری از برنامه‌های ترویجی دارند.

به منظور پیش بینی تغییرات سطوح رضایت آزمودنی‌ها بر اساس تغییرات سطوح متغیرهای مستقل از روش تحلیل رگرسیونی استفاده شده است. نتایج حاصل از تحلیل رگرسیونی که به روش گام به گام^۱ صورت پذیرفته است نشان می‌دهد که سه متغیر مستقل " شناخت دامدار نمونه"، " سطح زمین زراعی" و " تشویق فرزندان به انتخاب شغل دامداری" تأثیر معنی-داری بر میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی دارند (جدول ۴) و معادله رگرسیونی آن عبارتست از:

$$Y = 1.25 + 0.37x36 + 0.153x24 + 0.596x30$$

با توجه به این که F محاسبه شده، برابر ۱۳/۰۷۶ است و در سطح یک درصد معنی دار شده است، به نظر می‌رسد احتمال این که نسبت F به بزرگی مذکور بطور تصادفی اتفاق افتاده باشد، کمتر از یک درصد است. پس رابطه بین Y و یک ترکیب خطی از متغیرهای X30، X24 و X36 نمی‌تواند تصادفی پیش آمده باشد. از طرفی چون مقدار R2 (ضریب تعیین) برابر ۰/۷۴ است،

جدول (۵) ضرایب متغیرهای غیرمعنی‌دار معادله همبستگی رگرسیون

متغیرها	شاخص‌ها	B	ضریب t	سطح معنی داری
سطح سواد		-۰/۱۶	-۱/۰۳	۰/۳۲۲
سابقه دامداری		-۰/۰۸	-۰/۴۹۷	۰/۶۲۷
وضع اقتصادی خانواده		-۰/۱۶	-۱/۱۱۶	۰/۲۸۵
مشارکت در برنامه های ترویجی		۰/۱۸	۱/۲۹۷	۰/۲۱۷
نوع شغل دوم		-۰/۰۸۷	-۰/۵۹۵	۰/۵۶۲
سن		-۰/۰۴	-۰/۰۲۴۸	۰/۸۰۸
محل کسب درآمد غالب زندگی		-۰/۲۳۳	-۱/۷۷	۰/۱
دامهای در اختیار		-۰/۱۲۸	-۰/۶۱۲	۰/۵۵۱
سطح زمین باغی		-۰/۱۲۳	-۰/۸۱۴	۰/۴۳
ملاقات با افراد متخصص ...		-۰/۰۰۲	-۰/۰۱۳	۰/۹۹

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مطالعه حاضر با بررسی رضایت روستاییان دامدار به نوعی به ارزیابی برنامه‌های آموزشی- ترویجی در زیربخش دامداری استان قم پرداخته شده است. بر اساس یافته‌های بخش اول تحقیق غالب روستاییان دامدار کم سواد یا بیسوادند (۲۷/۵ درصد بی‌سواد و ۳۷/۲ درصد در حد «ابتدایی») و بیش از ۱۶ سال سابقه دامداری دارند. بیشتر آن‌ها دارای شغل دوم مرتبط با بخش کشاورزی بوده (۷۰/۸ درصد) و تعداد محدودی نیز دارای زمین‌های زراعی و باغی می‌باشند. بر این اساس، تحول در ساختار سنی دامداران و بازسازی ساختار آموزشی آن‌ها ضروری است. همچنین، لازم است برای این منظور، شرایط اقتصادی- اجتماعی برای اشتغال جوان‌ها در زیربخش دامداری فراهم شود. با توجه به اشتغال غالب افراد مورد مطالعه در سایر فعالیت‌های مرتبط با امور کشاورزی لازم است برنامه‌های ترویجی مربوط به توسعه زیربخش دامداری مرتبط و همگام با برنامه‌های ترویجی سایر زیربخش‌های کشاورزی باشد. همچنین، براساس نتایج مربوط به همبستگی برخی متغیرهای مذکور با یکدیگر، از جمله همبستگی معنی‌دار سطح اقتصادی خانواده افراد مورد مطالعه با سطح سواد آنها و هر دو این متغیرها با میزان مشارکت آنها در برنامه‌های ترویجی، سرمایه‌گذاری آموزشی در جامعه روستایی و کشاورزی تحت مطالعه می‌تواند ضمن افزایش دانش و آگاهی آنها از امور

کشاورزی و سایر مسایل مرتبط با توسعه منطقه، موجب ارتقای سطح رفاه اقتصادی- اجتماعی طبقات مختلف اجتماعی ساکن در محیط‌های کشاورزی و روستایی شود.

بر مبنای بخش دوم یافته‌ها، بطور کلی میزان رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی- ترویجی بیش از حد متوسط است. این نتیجه با نتایج تحقیق al. Mogues et (۲۰۰۹)، Moradi & Poorsaeid (۲۰۱۴) و (۲۰۱۴) Rahmani Piani & Ajili همخوانی دارد ولی با نتایج تحقیق Mahboobi et al. (۲۰۱۲) همخوانی ندارد. با توجه به سایر نتایج تحقیق به نظر می‌رسد در کنار رضایت کم از امکانات و نهاده‌های در دسترس برای اجرای توصیه‌های ترویجی، رضایت مناسب از توان فنی مروجین، محتوای آموزشی، محیط و امکانات آموزشی موجب رضایت نسبی دامداران مورد مطالعه از برنامه‌های ترویجی شده است. عدم رضایت عالی از این برنامه‌ها ممکن است به دلیل عدم سازگاری قیمت نهاده‌ها با توان اقتصادی آن‌ها و یا توزیع نامناسب نهاده‌ها است. از طرف دیگر، ساختار طراحی و اجرای برنامه‌های ترویجی به گونه‌ای است که مکان شایسته‌ای برای مشارکت روستاییان دامدار در آن دیده نشده است و حتی از نظر برنامه‌ریزی اجرایی با آن‌ها هماهنگی لازم صورت نمی‌گیرد. بر این اساس، فراهم سازی امکانات لازم برای بکارگیری عملی توصیه‌های ترویجی، افزایش پیش زمینه‌های مشارکت روستاییان

براین اساس، می توان چنین نتیجه گیری کرد که افزایش زمینه های لازم برای ارتقای میزان رضایت روستاییان دامدار از هر یک از ابعاد مذکور، بطور مستقیم بر میزان رضایت آن ها از سایر ابعاد و در نهایت بر کل رضایت افراد از برنامه های آموزشی - ترویجی می افزاید. بر اساس نتایج بررسی های Rezaei moghaddam (1994) در زمینه عوامل مؤثر بر شرکت دامداران در برنامه های آموزشی - ترویجی شهرستان شیراز، بین انگیزه های ایمنی، تعلق پذیری، عزت نفس و خود شکوفایی دامداران با میزان شرکت آنها در برنامه های ترویجی رابطه معنی داری وجود ندارند و نیازهای فیزیولوژیک مبنای شرکت دامداران در برنامه های ترویجی بوده است. بر این اساس توصیه کرده است که محتوای برنامه های مذکور با توجه به مسایل و مشکلات موجود دامداران طراحی شود و دامداران دخالت مستقیم در فرایند برنامه ریزی داشته باشند. بخش هایی از این نتایج مشابه یافته های تحقیق حاضر است. همچنین، یافته ها نشان داد که بیش از ۸۷ درصد دامداران از برنامه های مذکور رضایت داشته اند و فقط ۳/۴ درصد از این دوره ها اظهار نارضایتی کردند. با وجودی که موضوع رضایت بطور کلی در تحقیق این محقق بررسی شده است، با توجه به رضایت نسبی روستاییان دامدار مورد مطالعه از برنامه های ترویجی، به نظر می رسد نتایج هر دو تحقیق امکان دارد دلیل قرابت فعالیت های ترویجی واحدهای ترویجی سازمان جهادکشاورزی و همچنین تشابه اقتصادی - اجتماعی دامداران هر دو منطقه مورد بررسی، مشابه است.

بخش دیگری از یافته ها نشان داد که ۹۴/۳ درصد دامداران سطح علمی دوره ها را آسان و متوسط و در حد فهم خود تلقی کردند و فقط ۳/۴ درصد سطح دوره ها را مشکل دانسته اند. در خصوص تناسب هدف های دوره ها با نیازهای آموزشی آن ها، ۴۸/۲ درصد این هدف ها را کاملاً متناسب با نیازهای آموزشی خود دانستند و ۴۶ درصد نیز تا حدودی متناسب با نیازها و مشکلات دامداری خویش تلقی کردند. همچنین، در این تحقیق بررسی دیدگاه دامداران در خصوص نحوه بیان آموزشگران برنامه های ترویجی نیز نشان داد که ۸۰ درصد دامداران معتقد بودند که آموزشگران مطالب را

دامدار در برنامه ریزی های ترویجی، هماهنگی زمان و مکان اجرای برنامه های ترویجی با ویژگی های شغلی و اوقات زندگی خانوادگی آن ها و همچنین استفاده از شیوه های متنوع و مناسب اطلاع رسانی برنامه های آموزشی - ترویجی، نقش بسیار زیادی در افزایش رضایت افراد مورد مطالعه از این برنامه ها دارد.

از آنجا که شرکت روستاییان دامدار در فرآیند طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه های فوق موجب افزایش انگیزه آنها برای شرکت در این برنامه ها، رفع موانع عملی کردن توصیه های ترویجی، ترغیب سایر دوستان و آشنایان به شرکت در دوره ها و پذیرش ایده های مورد نظر مروجین و کارشناسان ترویج و همچنین افزایش همکاری آن ها با مسئولین منطقه ای در زمینه واگذاری برخی از امکانات خود، برای اجرای موفق و مداوم برنامه های آموزشی - ترویجی می شود، ضروری است روستاییان دامدار به صورت تعریف شده در کلیه مراحل طراحی، اجرا و ارزشیابی این برنامه ها مشارکت کامل و مناسبی داشته باشند. با عنایت به رضایت کم روستاییان دامدار از میزان مشارکت خویش در طراحی، اجراء و ارزشیابی برنامه های آموزشی - ترویجی (میانگین = ۲/۹۹) و همچنین، تفاهم نسبی آن ها در این خصوص ($SD = ۰/۷$) لازم است تمهیدات لازم برای طراحی نظام مشارکت روستاییان در برنامه ریزی های آموزشی - ترویجی محلی و استانی دیده شود.

براساس بخش سوم یافته های تحقیق، سطح سواد، وضع اقتصادی خانواده، میزان مشارکت در برنامه های ترویجی و تنوع محل کسب غالب درآمد زندگی روستاییان دامدار، اختلاف معنی داری در دیدگاه آن ها نسبت به برنامه های آموزشی - ترویجی ایجاد کرده بود. با توجه به این که هر چه وضع اقتصادی خانواده روستاییان دامدار بهتر شود، میزان مشارکت آنها در برنامه های ترویجی ارتقا می یابد و هر چه محل کسب درآمد آن ها از کشاورزی متنوع تر شود، افزایش شناخت آنها از دامداران نمونه منطقه، علاقه به شرکت در دوره های ترویجی و در نهایت میزان رضایت آن ها از این برنامه ها ایجاد می شود. بخش دیگری از نتایج این تحقیق نشان دهنده همبستگی بالای ابعاد رضایت روستاییان دامدار از برنامه های آموزشی - ترویجی بود.

ساده و روان ارائه می‌کنند و ۹۶/۴ درصد نیز رفتار آموزشگران را با خود، مناسب و علاقه برانگیز برای شرکت در دوره‌ها عنوان کردند. دیگر نتایج این مطالعه نشان داده است که آموزشگران توجه فراوانی به سئوالات و اشکالات دامداران از این برنامه‌ها می‌کنند (۹۵/۴ درصد دامداران چنین اظهار کردند). همچنین، ۹۸/۸ درصد مطرح کردند که آموزشگران بطور کامل و تا حدودی با مشکلات دامداری منطقه آشنائی دارند. با توجه به این که در تحقیق حاضر نیز روستاییان دامدار از محتوای آموزشی برنامه‌های ترویجی و توان فنی- حرفه- ای مروجین و کارشناسان ترویجی تقریباً رضایت زیادی داشتند، نتایج پژوهش مذکور مشابه یافته‌های تحقیق حاضر است.

قسمت دیگری از نتایج مؤید رضایت بیشتر افراد مورد مطالعه از زمان و مکان برگزاری دوره‌ها است. در حالی که یافته‌های تحقیق حاضر نشان داد که روستاییان دامدار کمتر از حد مناسب از مختصات زمانی و مکانی برگزاری برنامه‌های ترویجی رضایت دارند. همچنین، بر اساس نتایج تحقیق حاضر میزان رضایت روستاییان دامدار از مشارکت روستاییان در برنامه‌ریزی اجرایی برنامه‌های ترویجی کمتر از حد متوسط بود. در حالی که بر اساس نتایج تحقیق مذکور میزان مشارکت دامداران در تعیین و تغییر زمان برگزاری دوره‌ها محدود بوده ولی در تعیین و تغییر مکان اجرای برنامه‌های آموزشی- ترویجی مشارکت آن‌ها بیشتر بوده است. از طرفی، یافته‌ها نشان داد که هر چه تجارب قبلی دامداران از شرکت در این برنامه‌ها بیشتر بوده است، گرایش کمتری در آن‌ها نسبت به شرکت مجدد در دوره‌ها ایجاد کرده است. به نظر این موضوع بیشتر متوجه مشکلات برگزاری دوره‌ها در گذشته و عدم توجه به بکارگیری عملی موضوعات ارائه شده در کلاس‌های ترویجی، توسط دامداران و فراهم نبودن شرایط برای اجرای عملی توصیه‌های ترویجی است. این تحلیل با نتایج تحقیق Petrovic, Jankovic, & Cikić (2009) در خصوص مشکلات سازمان ترویج کشاورزی همخوانی دارد. در حالی که در تحقیق حاضر هر چه روستاییان دامدار بیشتر در دوره‌های ترویجی شرکت کرده اند، رضایت بیشتری از برنامه‌های ترویجی داشته‌اند. بر

اساس مطالعات Cresell and Martin (1993) و Norland (1992) حضور موفق بزرگسالان کشاورز در برنامه‌های ترویجی و رضایت ایشان از این برنامه‌ها منوط به استفاده مناسب تر و مؤثرتر از روش‌ها و ابزارهای آموزشی و در واقع توان حرفه‌ای مروجین و کارشناسان ترویج و همچنین مشارکت مستمر بهره برداران در طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های ترویجی است و لازم است آموزشگران ترویج کشاورزی آموزش‌هایی در خصوص فنون مناسب اجرا و ارائه این برنامه‌ها ببینند، تا بتوانند زمینه‌های جلب نظر کشاورزان به شرکت موفق در برنامه‌های ترویجی- آموزشی را فراهم کنند. همچنین زمینه مشارکت بیشتر کشاورزان در مباحث مختلف ترویجی محقق شود. از جانب دیگر، می‌توان چنین نتیجه‌گیری کرد که موفقیت برنامه‌های ترویجی و رضایت بهره‌برداران از این برنامه‌ها در گرو کارکرد بهینه اجزای نظام آموزش‌های ترویجی از جمله کیفیت مطلوب آموزشگران از جهات فنی- حرفه‌ای، کاربرد به موقع و صحیح وسایل کمک آموزشی، محیط مناسب آموزشی، محتوای آموزشی مرتبط با نیازهای واقعی مخاطبین، برنامه ریزی اجرایی سازگار با امکانات موجود و موقعیت و شرایط زندگی بهره‌برداران و غیره است. با توجه به یافته‌های تحقیق و بحث و نتیجه‌گیری‌های بعمل آمده برای افزایش رضایت روستاییان دامدار از برنامه‌های آموزشی - ترویجی، پیشنهاد‌های زیر ارائه می‌شود:

- ۱- تمهیدات لازم برای دسترسی روستاییان دامدار به امکانات و نهاده‌های مورد نیاز برای بکارگیری توصیه‌های ترویجی اندیشیده شود.
- ۲- با توجه به رابطه معنی‌دار میزان مشارکت روستاییان دامدار در فعالیتهای ترویجی با میزان رضایت آنها از این برنامه‌ها ساز و کار لازم برای دخالت روستاییان دامدار در مراحل مختلف طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های ترویجی پیش بینی و بکار گرفته شود (مثل تشکیل کمیته‌ای از برگزیدگان روستاییان دامدار در مناطق مختلف استان، قرار گرفتن کمیته‌های مذکور در فرایند طراحی، اجرا و ارزشیابی برنامه‌های ترویجی، تشکیل گردهمایی‌های سالانه برای ترغیب آن‌ها به مشارکت بیشتر در برنامه‌های ترویجی).

۵- سطح سواد پایه و کشاورزی روستاییان دامدار افزایش یابد. برای تحقق این پیشنهاد، بکارگیری راهکارهایی مثل: توسعه واحدهای نهضت سوادآموزی در جوامع روستایی، طراحی و انتشار وسیع نشریات ساده ترویجی در مناطق روستایی و قرار دادن این نشریات در اختیار سوادآموزان و سایر افراد باسواد روستایی، پیشنهاد می شود.

۶- کمیت و کیفیت تولید و بکارگیری امکانات و ابزارهای آموزشی مورد نیاز برنامه های آموزشی - ترویجی افزایش یابد.

۷- راهکارهایی مثل: برگزاری گردهمایی های ویژه روستاییان دامدار و دامداران، تشکیل نمایشگاه های ترویجی با حضور دامداران نمونه و متخصصین و تشکیل انجمن های منطقه ای دامداران، برای افزایش شناخت و ملاقات روستاییان دامدار با سواد با متخصصین و دامداران نمونه بکار گرفته شود.

۳- امنیت اقتصادی فعالیت های بخش خصوصی در بخش کشاورزی به شیوه مناسبی تضمین شود. برای این منظور بکارگیری راهکارهایی مثل توسعه نظام بیمه کشاورزی و بیمه سرمایه گذاری در بخش کشاورزی توصیه می شود.

۴- روستاییان دامدار از طریق توجه به نیازها و خواسته های آنها در جریان طراحی و اجرای برنامه ها، ایجاد رقابت محلی بین روستاییان در زمینه شرکت در برنامه های ترویجی با استفاده از مشوق های قابل قبول، ارسال به موقع اطلاعات مربوط به دوره های ترویجی به منازل یا محل کار آنها، ارسال نشریات ترویجی بطور مستمر برای روستاییان دامدار با سواد و پیگیری نتایج آموزش های ترویجی از طریق مراجعه به محل های دامداری آنها، به شرکت بیشتر در برنامه های آموزشی - ترویجی ترغیب شوند.

REFERENCES

- Ahmadvand, M.(2008). Perceptions toward sustainable agricultural practices: the case of potato farmers in hamedan province, Iran. *Journal of Extension System*, 24(1): 94-105.
- Anaraki, Z. & Karami dehkordi, S.(2012). The role of agricultural extension in Poultry value chain; A case study in Qom province. *The 4th Iranian National Congress of Agricultural and Natural Resources Extension and Education*, 18-19 September, Karaj, Iran, P: 402. (In Farsi)
- Arabmazar, A. And Khadmyan, S. (2013). Priorities of the investment In the Subdivision of Iran's Agriculture. *Journal of Agricultural Economics and Development*. (82), 43-27, Tehran. (In Farsi)
- Asadi, A., Akbari, M., ShabanaliFami, H. & Alambaigi, A. (2008). An assessment of farmer's willingness to pay for wheat consultant engineers' project in Iran. *Am. J. Agric. Bio. Sci.*, 3 (4): 706-711.(In Farsi)
- Barati, A, Asadi, A. & Kalantari, Kh. (2012). Performance Evaluation of Agricultural Extension Administration of Razavi Khorasan Province in Implementation of PMBOK Model. *Proceeding of fourth Iranian National congress on Agricultural extension and natural resources*, 18-19 Sep., Karaj, Iran. (In Farsi)
- Charmchyan Langroodi, M.. (2012). Assessing factors affecting empowerment of farmers, Mazandaran province, Iran. *Fourth congress of agricultural extension & education & natural resources sciences*, Iran, Karaj.(In Farsi)
- Cressell, J. L. and R. A. Martin (1993). An assessment of teaching strategies used in private pesticide applicator education. *Journal of Agricultural Education*, 34(2), PP:18-27.
- Farahman, M., Roosta, K. & Mohammadgholaini, M. J.(2014). An analysis of effectiveness of plant clinics extensional activities on the acceptance of IPM by growers in the South Khorasan Province in cope year 91-92. *The First International Conference of the APIRAS & the Fifth Congress of Extension and Education in Agriculture and Natural Resources Management*, University of Zanjan, Iran, PP: 334.
- Goblar, P. A., Warnich, S., Carrel, M. R., Elber, N. F. & Hatfield, R. D.(2009). *Human Resources Management in South Africa*. Second Edition, London: Thomson Learning, 8(1): 345-355.
- Gorji, S., Ajili, A., Mohammadzadeh, S. & Shabani, K.(2012). Study of farmer's perception about extensional courses and its role on empowerment in Ahvaz area. *The 4th Iranian National Congress of Agricultural and Natural Resources Extension and Education*, 18-19 September, Karaj, Iran, P: 377.(In Farsi)
- Hajimirrahimi, S. D., Mokhber Dezfooli, A., Gholami, H., Akbari, M. & noroozi, A. (2014). Investigating The Approaches for Development of Student's Entrepreneurial Capabilities in Agricultural Applied Scientific Courses, "Case Study: Imam Khomeini Higher Education Center (ihc)". *Iranian Journal of Agricultural Economics and Development Research*, Accepted for Publication.(In Farsi)

12. Hajimirrahimi, S. D. (2002). Study of the employees' educational needs assessment in semi-industrial dairies, Qom province. *Journal of Research and Construction*. (61), 50-39, Tehran. (In Farsi)
13. Hasani Faramany, SH., Chaharsooghi Amin, H., Vahedi, m., Shiar, SH and Alipour, H. (2013). Wheat farmers' perspective toward performance of the consulting and engineering companies, Sarab Niloofar, Kermanshah province. *Journal of Agricultural Education Management*. 25, pp:70-62, Tehran. (In Farsi)
14. Heidari Sareban, V. (2013). Study of affecting factors on farmer's satisfaction about working in agricultural section, Case study: Meshginshahr City. *Geography Vision in Human Study*, 8(24): 103-119.
15. Feli, S., PezeshkiRad, Gh. R., Seddiqhi, H., Shahbazi, A.. And Qhureshi, S. J (2012). internal Insufficiency and constraints Iranian Agricultural Extension System. Fourth Congress of Agricultural Extension and Education Sciences and Natural Resources, Iran. Karaj. (In Farsi)
16. Irvani H. & Varzmazyari, H. (2009). Agriculture for development. Report of World Development, Translated, Tehran. (In Farsi)
17. Karbasioun, M., Mulder, M. & Biemans, H. (2007). Course experiences and perceptions of farmers in Esfehan as A basis for a competency profile of extension instructors. *Journal of Agricultural Education*. 48(2), 79 – 91.
18. Kasaeian Naini, R. (2012). Measuring extensional communications of extensioner With Wheat farmers and some effective actions on it. , Case study. Mashhad city. Fourth congress of agricultural extension & education & natural resources sciences, Iran, Karaj. (In Farsi)
19. Ma CC, Samuels ME, Alexander JW. (2003) Factors that influence nurses job satisfaction. *J Nurse Adm*; 33(5): 293-9.
20. Mahboobi, M. R., Maghsoodloonejad, S. & Smaeili Aval, M. (2012). Survey the barriers of participate women of rural association in educational courses. Fourth Congress of Agricultural Extension and Education Sciences and Natural Resources, Iran. Karaj, P: 363. (In Farsi)
21. Martineau, T., Lehman, U., Matwa, P., Kathyola, J. & Storey, K. (2009). Factors affecting retention of different groups of rural health workers in Malawi and Eastern Cape Province, South Africa. http://www.who.int/hrh/migration/background_paper.pdf.
22. McShane, S. L. & Steen, S. (2009). Canadian organizational behavior. 7th ed., Toronto McGraw Hill.
23. Minh Duc, N. (2008). Farmers' satisfaction with aquaculture, a logistic model in Vietnam. *Ecological Economics*, 6(8), 525–531.
24. Mirdamadi, S. M. & Moosavi S. S. (2013). Socio-economic and physical impacts of communication and information technology rural areas: a case study of Dehaghan County. *Village and Development*, 16(1): 37-54. (In Farsi)
25. Moghimi, S. M. (2005). Organization and management of the researching approaches. . Terme, Tehran. (In Farsi)
26. Mogues, T., Cohen, M. J., Birner, R., Lemma, M., Randriamamonjy, J. Tadesse F. & Paulos, Z. (2009). Access to and governance of rural services: agricultural extension and drinking water supply in Ethiopia. *Research Note*, (1)
27. Moradi, F. & Poorsaeid, A. R. (2014). Investigating the factors affecting on farmers satisfaction about jihade-keshavarzi in extension and services centers of Kermanshahan Township. The First International Conference of the APIRAS & the Fifth Congress of Extension and Education in Agriculture and Natural Resources Management, University of Zanjan, Iran, PP: 206.
28. Norland, E. V. T. (1992). Why adults participate. *Journal of Extension*. 30(5), 12-13.
29. "Performance Report of Management of the extension and public participation". (2009). Jihad Agriculture Organization of the Qom, Qom. (In Farsi)
30. Petrovic, Z., Jankovic, D. & Ckic, J. (2009). Problems in the extension work and farmers' needs in Serbia. Th EAAE seminar "The Role of Knowledge, Innovation and Human Capital in Multifunctional Agriculture and Territorial Rural Development", Belgrade, Republic of Serbia December 9-11.
31. "Practical and service Performance of Qom's Agricultural Jihad Organization, subsidiaries Offices and affiliates in 2009". (2010). Qom's Agricultural Jihad Organization. Planning Department and Economic Affairs. Office of Statistics and Information Technology. P68, Qom. (In Farsi)
32. Pezeshki Rad, Gh., Golshiri Esfahani, Z. & Chizari, M. (2009). Learner Satisfaction with Pomegranate Production Extension-Education Courses in Yazd Province, Iran. *Journal of Agricultural Science and Technology*, 11: 49-55.
33. Price, J. L., & Mueller, C. W. (1986). Absenteeism and turnover among hospital employees. Greenwich, Connecticut: JAI Press.
34. Rahmani Piani, S. & Ajili, A. (2014). Satisfactory explanation of the villagers from the rural municipality, Case study: Central Part of Ahvaz City. The First International Conference of the APIRAS & the Fifth Congress of Extension and Education in Agriculture and Natural Resources Management, University of Zanjan, Iran, PP: 384.

35. Raveendaran, N., Mahendran, K., Venkita Prabhu, J., Ajjan, N. & Ponnusamy, K. A. (2007). An Appraisal of Extant Public Agricultural Extension System in Tamil Nadu. Centre for Agricultural and Rural Development Studies Tamil Nadu Agricultural University Coimbatore 641 003, Tamil Nadu Agricultural University.
36. "Review of agriculture scheme, Qom province in 2012". (2013). Department of planning and economic of Qom's Agricultural Jihad Organization. Department of Statistics and Information Technology, Qom.(In Farsi)
37. Rezaei moghaddam, K. (1994). Factors affecting herders' participation in Training courses of Jahad Sazandegi In the city of Shiraz. A research project. Department of Agricultural Extension and Education, College of Agriculture, Shiraz University, Shiraz. (In Farsi)
38. Sadat-Barikani, S. H. & Iran-Nejad, b. (2013). A Survey of the agricultural sector state In the Iranian economy. Reviewing theory focus on the agricultural sector. Journal of Agricultural Economics and Development. No. 81, pp. 177-153, Tehran. (In Farsi)
39. Santos, S., 2004, Income distribution in Portugal from 1995 to 2000: A SAM approach, Retrieved from ,www.iseg.utl.pt/~depteeco/iseg_ecosemin0304 sdabs.pdf.
40. Sardar Shahraki, A., Karim, M .H. & Sheikhtabar, M.(2013). Constraints to the application of integrated crop Management in sustainable agriculture. Village and Development, 16(1):21-36. (In Farsi)
41. Sarmad, Z., Bazargan, A. & Hijazi, A.(1999). Research methods in the behavioral sciences. Agah Publications, Tehran.(In Farsi)
42. Seyedjavadin, R.(2002). Human recourses management and staff affairs. Negah Danesh Publication, Tehran. (In Farsi)
43. Shahabi, S., Seifollahi, M. & Asadi, A.(2013). An evaluation of the impacts of extension training on rural households: the case of faridan county livestock breeders, Esfahan Province. Village and Development, 16(1):63-89. (In Farsi)
44. Smith, p. c., kendall, L. M. and Hulin, C. L.(1969).The measurement of satisfaction in work and Retirement.chicago:Rand McNally.
45. "Study of population status and livestock's production in the Qom province". (1999). provided by department of livestock, Qom's Agricultural Jihad Organization, Qom.(In Farsi)
46. Stayner, R. (2005), The changing economics of rural communities, In C. Cocklin. & J. Dibden, (Eds.), Australian Journal of Rural Health, 11:7-14.
47. Tavasol, N. (2003). Factors affecting motivation of the wheat farmers to participate in the extensional activities, axial plan of wheat in cropping year 2001-2002. Harsin City, Kermanshah Province. Master's thesis of science and research unit, Tehran Islamic Azad University. (In Farsi)
48. Wayne Mondy, R. (2008). Human Resources Management. Tenth Edition, PP:56-57.
49. Wood, G., Yaacob, A. & Morris, D.(2004). Attitude towards pay & promotion in the Malaysian higher education sector. Employee Relation, 26(2): 137-150.

پیوست شماره (۱): ماتریس همبستگی ویژگی های فردی و حرفه ای روستائیان دامدار مورد مطالعه

ردیف	متغیرهای مستقل	۱	۲	۳	۴	۵	۶	۷	۸	۹	۱۰	۱۱	۱۲	۱۳	۱۴
۱	سطح سواد														
۲	سابقه دامداری	۰/۳۹													
۳	وضع اقتصادی خانواده	۰/۰۳	۰/۱۱۹												
۴	مشارکت در برنامه های ترویجی	۰/۱۴	۰/۰۶	۰/۱۶											
۵	داشتن شغل دوم	۰/۰۵	۰/۰۴	۰/۱۴	۰/۰۵										
۶	نوع شغل دوم	۰/۱۶	۰/۰۸	۰/۰۵	۰/۰۳	۰/۱۸									
۷	سن	۰/۰۷	۰/۳۸	۰/۰۶	۰/۰۴	۰/۱۱۳	۰/۱۱۷								
۸	محل کسب درآمد غالب زندگی	۰/۰۰۸	۰/۰۳	۰/۱۸	۰/۰۸	۰/۲۶	۰/۲۲	۰/۰۲							
۹	دام های در اختیار	۰/۲۲	۰/۰۳	۰/۰۶	۰/۰۳	۰/۰۳	۰/۲۸	۰/۱۱۴	۰/۰۳						
۱۰	سطح زمین زراعی	۰/۰۸	۰/۰۶	۰/۲۴	۰/۲۶	۰/۱۹	۰/۲۶	۰/۰۸	۰/۱۰۹	۰/۳۵					
۱۱	سطح زمین باغی	۰/۰۳	۰/۰۹	۰/۱۱۵	۰/۱۱۵	۰/۳۸	۰/۰۴	۰/۰۲	۰/۰۱	۰/۳۲	۰/۳۸				
۱۲	شناخت دامدار نمونه	۰/۲۷	۰/۰۴	۰/۱۴	۰/۲۲	۰/۰۹	۰/۱۲	۰/۱۶	۰/۱۲	۰/۴*	۰/۰۹	۰/۰۳			
۱۳	ملاقات با افراد متخصص و دامداران نمونه	۰/۱۹	۰/۰۲	۰/۱۴	۰/۳۶	۰/۰۳	۰/۰۷	۰/۰۲	۰/۱۸	۰/۱۱	۰/۲۶	۰/۱	۰/۲۶		
۱۴	تشویق فرزندان به انتخاب شغل دامداری	۰/۰۹	۰/۱۸	۰/۵۸	۰/۷۹	۰/۱	۰/۰۱	۰/۰۷	۰/۰۳	۰/۱۲۹	۰/۱۲۴	۰/۳	۰/۰۲	۰/۰۷	